



سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

جلد چهارم

نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی

دکتر سیدعلی حسینی زاده



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۰

حسینی زاده، علی، ۱۳۴۳ -

سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) / سیدعلی حسینی زاده: زیر نظر علیرضا اعرافی. -
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

۴. ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۰۱، ۷۳، ۱۳۴، ۸۷: علوم تربیتی؛ ۱۲، ۱۵، ۲۱، ۱۸)
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

بها: ۷۵۰۰ ریال
ISBN: 978-964-7788-10-6 (ج.۴):
کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. تربیت فرزند. - ج. ۲. تربیت دینی. - ج. ۳. تربیت اخلاقی - ج. ۴. نگرشی بر آموزش با
تأکید بر آموزش های دینی.
نمایه.

ج. ۴. ج. ۱: ۱۳۸۲. ج. ۲: ۱۳۸۴. ج. ۳: ۱۳۸۵. ج. ۴: ۱۳۸۸. ج. ۵: ۱۳۸۹. ج. ۶: ۱۳۹۰، بها: ۲۷۰۰۰ ریال.
۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. تربیت خانوادگی (اسلام). ۳. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از
هجرت - ۱۱ ق. - نظریه درباره تربیت خانوادگی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۹ س ۴۸۷ ح / ۱۸ / BP ۲۳۰ / ۴۸۳۷ / ۲۹۷

کتابخانه ملی ایران
۳۸۷۰ - ۸۱ م



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، جلد چهارم: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی

مؤلف: دکتر سیدعلی حسینی زاده

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۷۳؛ علوم تربیتی: ۱۲)

حروفچینی و صفحه آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰ (چاپ پنجم: پاییز ۱۳۸۹)

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۷۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۰۲۱۱۱۳۰۰)، شماره: ۰۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۷۱۸۵۳۱۵۱ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۶۰۰۲۶۴۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنا دار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه‌ی شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث‌گران قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر

رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تا کنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است؛ از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد. کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دروس «روش‌ها و فنون تدریس»، «روان‌شناسی یادگیری و تربیتی» و «تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی» در مقطع

کارشناسی تهیه شده است. افزون بر آن برای همهٔ معلمان، مربیان، اساتید و کسانی که به کار تدریس اشتغال دارند نیز قابل استفاده خواهد بود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا داریم با همکاری، انتقاد و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت بهبود کتاب‌ها و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف گرامی جناب آقای سیدعلی حسینی‌زاده و نیز از استاد ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضا اعرافی، ناظر طرح، تقدیر و تشکر نماید.

فهرست مطالب

درآمد

۷	ضرورت و اهمیت بحث
۹	اهداف طرح
۹	مراحل طرح
۱۰	موانع و محدودیت‌ها
۱۱	ویژگی‌های طرح

پیش‌گفتار

۱۵	اهمیت و جایگاه آموزش، به ویژه آموزش دینی
۱۶	آموزش، هدف بعثت پیامبران
۱۷	ارزش آموزش دینی، فراتر از مادیات است
۱۸	آموزش دینی برتر از خون بهای انسان‌ها
۱۹	فواید دنیوی آموزش

فصل یکم: مفهوم‌شناسی

۲۳	۱. مفهوم آموزش
۲۵	۲. مفهوم اصل
۲۸	۳. مفهوم روش
۲۹	۴. مفهوم شیوه
۳۰	۵. مفهوم آداب

فصل دوم: اصول آموزشی

۳۳	۱. اصل ارتباط و جلب توجه مخاطب
۳۷	۲. اصل انگیزش
۴۱	۳. اصل کوشش

۴ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)

۴۴	آثار آموزشی
۴۶	۴. اصل تفاوت‌های فردی
۵۱	آثار آموزشی
۵۲	۵. اصل تفکر و تفقه
۵۷	۶. اصل استفاده از فرصت‌ها
۶۱	۷. اصل تناسب محتوا با موقعیت و شرایط فراگیر
۶۴	آثار آموزشی
۶۴	۸. اصل عمل‌گرایی و کاربرد آموزه‌ها در عمل
۶۹	۹. اصل عینیت
۷۳	۱۰. اصل ارزش‌یابی

فصل سوم: روش‌های آموزشی

۷۷	۱. روش‌های گفتاری
۷۷	۱ - ۱. روش خطابه
۷۷	الف) مفهومی‌شناسی
۷۸	ب) تاریخچه خطابه
۷۹	ج) استفاده از خطابه در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)
۸۲	د) ویژگی‌های خطابه در اسلام
۸۶	ه) تفاوت روش خطابه با روش سخنرانی در تدریس
۸۸	۱ - ۲. روش مناظره
۸۸	الف) مفهوم‌شناسی
۸۹	ب) مناظره در سیره معصومان(ع)
۹۴	ج) وراء یا مناظره مردود
۹۷	د) شرایط و آداب مناظره
۱۰۰	ه) آفت‌های مناظره
۱۰۲	و) مواد یا شیوه‌های مورد استفاده در مناظره
۱۰۶	۱ - ۳. روش سؤال و جواب

فهرست مطالب ۵

الف) اقسام سؤال و جواب	۱۰۶
ب) تفاوت روش سؤال و جواب با روش پرسش و پاسخ معروف در روش تدریس	۱۰۷
ج) روش سؤال و جواب در سیره	۱۰۸
د) اهمیت و جایگاه پرسش در سیره	۱۱۵
ه) فواید روش سؤال و جواب	۱۱۹
و) آداب و شرایط سؤال و جواب	۱۲۰
۱- ۴. نکته آموزشی یا آموزش غیر رسمی	۱۲۵
۱- ۵. روش املا	۱۲۹
۲. روش‌های نوشتاری	۱۳۱
۱- ۲. نامه نگاری	۱۳۱
الف) نامه پیامبر(ص) به دخترش فاطمه زهرا(س)	۱۳۲
ب) نامه پیامبر(ص) به نابینا و ناشنوا	۱۳۲
ج) نامه پیامبر(ص) به فردی مجهول	۱۳۳
د) نامه پیامبر(ص) به مردم مکه	۱۳۳
ه) آداب و ویژگی‌های نامه‌نگاری در سیره	۱۳۵
۲- ۲. رساله و کتاب نویسی	۱۳۶
۳. روش آموزش عملی	۱۴۰

فصل چهارم: شیوه‌های آموزشی

۱. تنظیم و دسته بندی مطالب	۱۴۵
۲. تأکید بر مطالب مهم	۱۴۸
۳. تمثيل و تشبيه	۱۵۰
۴. استفاده از ابزار آموزشی	۱۵۳
۵. نوشتن آموزه‌ها و یادداشت برداری	۱۵۶
۶. تشويق کلامی	۱۵۹
۷. موزون گویی	۱۶۳
۸. موجز گویی	۱۶۶

۶ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)

۹. شماره‌بندی ۱۶۸
۱۰. تضاد یا قرینه‌گویی ۱۶۹

فصل پنجم: آداب آموزشی

۱. شروع با نام خدا ۱۷۵
۲. وضو و طهارت ۱۸۰
۳. دعا و استمداد از خدا ۱۸۱
۴. آرامش روانی معلم ۱۸۲
۵. عدالت بین شاگردان ۱۸۳
۶. تواضع ۱۸۴
۷. عفت در کلام ۱۸۵
۸. بخشش علمی ۱۸۶
۹. مزد نگرفتن در برابر آموزش ۱۸۸
۱۰. احترام به دانش، دانش آموز و جلسه درس ۱۹۰
۱۱. عمل به آموزه‌ها ۱۹۱
- فهرست منابع ۱۹۳

درآمد

نوشتاری که اینک تقدیم ارباب معرفت و صاحب نظران تربیت می‌شود، چهارمین جلد از طرح سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است که بحث آموزش در سیره معصومان (ع) را پی می‌گیرد. سه جلد پیشین این مجموعه به تربیت فرزند، تربیت دینی و تربیت اخلاقی اختصاص دارد که جلد نخست آن (تربیت فرزند) در سال هشتاد و چاپ دوم آن در نیمه نخست سال ۸۲ انتشار یافت. چاپ سوم آن نیز همراه جلد دوم (تربیت دینی) به زودی منتشر خواهد شد. جلد سوم کتاب (تربیت اخلاقی) در دست تحقیق است و در آینده انتشار خواهد یافت.

ضرورت و اهمیت بحث

برای تبیین ضرورت و اهمیت این مبحث، چند نکته را یادآور می‌شویم:

۱. نظر به اعتبار سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع) و شأن و مرتبت والای آنان در هدایت امت، از آغاز در میان مسلمانان به دو امر اهتمام می‌شد:

الف) جمع آوری سخنان و احادیث آنان؛

ب) ضبط و گزارش رفتارها و شیوه‌های عملی آنان.

منابع تاریخی شیعه و سنی به روشنی تمام نشان می‌دهد که اصحاب پیامبر در پرتو اعتقاد به عصمت آن حضرت و توصیه‌های مؤکد قرآن به پیروی از آن حضرت، کوششی تام بر ثبت و ضبط همه حرکات و سکنات و اعمال و رفتار آن حضرت مبذول داشته‌اند تا مبنایی برای الهام‌گیری و الگوپذیری آن نسل و آیندگان به یادگار گذارند و بر همین اساس، مورخان به حفظ این میراث گران‌بها و نقل زوایای گوناگون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی حضرت عنایت وافر داشته‌اند؛ تا آن‌جا که افراد خاصی به عنوان «وصّاف» شناخته می‌شدند و کار آنان بیان ویژگی‌های پیامبر (ص) بود.^۱ از سوی دیگر بخش‌هایی از منابع و مآخذ روایی به احادیث ناقل سیره پیامبر (ص) اختصاص یافت و

۱. ر.ک: البیهقی، احمد بن الحسین؛ دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة؛ ج ۱، ص ۲۵۸.

حتی کتاب‌هایی ویژه در این زمینه به نگارش در آمد.^۱ همین داستان از سوی اصحاب ائمه(ع) و علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) در مورد آن بزرگواران تکرار شد و سیره عملی آنان نیز به ثبت و نقل کشیده شد.^۲ علاوه بر این تاریخ اسلام گویای این است که مسلمانان بر آشنایی فرزندان خود با سنت و سیره نبوی و تربیت آنان بر پایه معیارها و الگوهای رفتاری آن حضرت تأکید ورزیده‌اند.^۳

۲. اهتمام اصحاب و محدثان بر ثبت و ضبط و فراگیری و یاددهی و آموزش سیره پیامبر(ص) و دیگر معصومان(ع) ریشه در اعتبار و حجیت سیره و سنت آنان و نقش و کارکردهای فقهی، اخلاقی و تربیتی سیره دارد.

در مدخل جلد اول از این مجموعه نقش‌های گوناگون سیره را از منظرهای متفاوت بررسی کرده و نشان دادیم که سیره معصومان(ع) هم از نگاه اصولی - فقهی می‌تواند منبعی برای استنباط‌های فقهی قرار گیرد و در منابع فقهی نقش مکمل احادیث را ایفا نماید، هم از نگاه اخلاقی و تربیتی نقش‌ها و کارکردهای آموزشی، تقویتی، الگوبخشی و مانند آن بیافریند.

بنابراین همان‌طور که «نقل تاریخی» سیره دارای ارزش تاریخی است، بررسی و تحلیل و تنظیم سیره به دلیل اعتبار و حجیت آن، دارای ارزش فقهی و شرعی و دینی است و نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۳. بسی آشکار است که بهره‌برداری بهتر از منبع سیره، مانند متن حدیث، نیازمند تحقیق و تدقیق مستمر است و این تحقیق باید بر پایه منطق و روش معتبر استوار شود، اما در این قسمت برخلاف احادیث، از این دست پژوهش‌ها کم‌تر صورت گرفته است. از جمله اموری که تحلیل و ارزیابی سیره معصومان(ع) را آسان‌تر می‌کند، تقسیم و تفکیک آن‌ها بر اساس قلمروها و ساحت‌های گوناگون آن رفتارهاست. مثلاً گروه‌بندی سیره‌ها در سیره‌های اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و مانند این‌ها، راه را برای بازشناسی و استفاده مفیدتر هموار می‌سازد.

یکی از قلمروهای مهم در سیره معصومان(ع)، مسائل تربیتی است. در واقع جمع‌آوری همه رفتارهایی که در مقام اثرگذاری بر شخصیت و رفتار دیگران از آنان

۱. از جمله کتاب‌های: السیره النبویه از ابن هشام و همچنین سیره ابن کثیر و سیره ابن اسحاق و نظایر آن.

۲. از جمله صفة الصفوه از ابن جوزی و تذکرة الخواص از سبط جوزی.

۳. سوید، محمدنوربن عبدالحفیظ؛ التریبة النبویه للطفل؛ ص ۹۹.

سرزده است می‌تواند ذخیره‌ای گران‌بها در بازشناسی و پژوهش در زمینه تربیت اسلامی فراهم آورد.

این نکته نیز در خور دقت است که به رغم آن‌که شأن معصومان(ع) هدایتگری و تعلیم و تربیت است و این شأن در رفتار آنان بیش‌ترین تجلی را داشته است، اما در این زمینه آثار و تحقیقات معتبر کم‌تر در دسترس است؛ در حالی که در زمینه سیره‌های سیاسی-اجتماعی و اخلاقی به آثار نسبتاً بیش‌تری دست می‌یابیم. از سوی دیگر در آمیختگی اخلاق و تربیت، بی‌توجهی به بسیاری از مفاهیم و عناوین خاص و جزئی در باب تعلیم و تربیت در فضای سیره، و فقدان نگاه تربیتی به سیره و فرایند زندگی معصومان(ع) کاستی‌های دیگری است که در این عرصه دیده می‌شود. با عنایت به آنچه به اختصار بیان شد، می‌توان به اهمیت این بحث و تحلیل سیره معصومان(ع) از نگاه تربیتی به معنای خاص آن، تا اندازه‌ای پی برد. از این رو و به منظور رفع پاره‌ای از این کاستی‌ها این طرح فراهم آمده است و امید می‌رود در این میدان گامی به جلو باشد.

اهداف طرح

هدف از این تحقیق، دستیابی به سیره‌های قولی و فعلی معصومان(ع) و نیز کشف قوانین و قواعد حاکم بر آن‌ها و نظام بخشی به مجموعه آن‌هاست. به عبارت دیگر عمده‌ترین اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. گردآوری سیره‌های تربیتی و بررسی روشمند آن‌ها؛
 ۲. سامان بخشی و ساختار دهی به سیره‌ها؛
 ۳. زمینه سازی برای کشف قوانین و قواعد حاکم بر سیره و ارتباط دادن آن‌ها با گفتار ائمه(ع) در یک طرح کلان و کلی.
- مبانی و پیش فرض‌های این طرح، یک سلسله از گزاره‌هایی است که بخشی از آن‌ها در فصل اول به بحث کشیده شده است و پاره‌ای از آن‌ها را هم به صورت اموری مفروض در این مباحث در نظر گرفته‌ایم.

مراحل طرح

این طرح زیر را طی کرده است:

۱. در مرحله نخست، «طرح» اولیه تهیه و مطالعات مقدماتی برای آشنایی با ابعاد

گونگون موضوع آغاز شد، مشاوره‌های متعدد به عمل آمد و کتاب‌شناسی و مآخذشناسی به انجام رسید.

۲. پس از آن، چارچوب و «فهرست و طرح تفصیلی» موضوعات و عناوین فرعی تدوین شد.

۳. سپس بر پایه «مآخذشناسی» و «فهرست سرفصل‌ها»، «فیش برداری» شروع، و منابع و کتاب‌ها تقسیم شد و محققان دیدگاه تحلیلی و نظر خود را در فیش‌ها ثبت کردند.

۴. همراه با فیش برداری، در جلسات گروهی فیش‌ها مورد مذاقه و مناقشه قرار گرفت، و همه عناوین و دلالت‌های آیه یا روایت یا نقل تاریخی استخراج و بر اساس روش استنباط معتبر نمایه زنی شد، و به سخن دیگر، فیش‌ها «تحلیل و نمایه زنی» گردید.

در مرحله «بررسی و تحلیل فیش‌ها» جداسازی فیش‌های مربوط به سیره‌های تربیتی - با معنای خاص و فنی آن - از سیره‌های دیگر با دقت و وسواس تمام مورد اهتمام بود؛ همان‌طور که اعتماد به روش‌های معتبر در فهم و تفسیر فیش‌ها از جایگاه خاصی در تأملات و گفت‌وگوی محققان برخوردار بود، و تا اندازه‌ای معیارهای بررسی و نقد سند هم بر اساس ملاک‌های مورد قبول به کار گرفته شد.

۵. به دنبال مراحل پیشین و به دلیل برخورد با عناوین جدید در فیش‌ها، و فقدان سیره در مورد پاره‌ای از عناوین موجود در طرح آغازین تحقیق که بامدل مبانی، اصول، روش‌ها و آداب فراهم آمده بود، آن طرح بازنگری شد و به «ساختاری نو» بر پایه ساحت‌های گوناگون تربیت، دسترسی حاصل شد و ملاک عمل قرار گرفت، چنان‌که پاره‌ای اصلاحات در فیش‌ها و نمایه زنی آن‌ها انجام شد.

۶. در نهایت بخش‌های گوناگون طرح، میان محققان تقسیم و در قالب چهار جلد کتاب پیش‌بینی شد. هر یک از پژوهشگران در قلمرو موضوع خود به «نگارش و تدوین» پرداخته، در جلسات گروهی به بحث گذارده شد و بانظر نهایی مدیر طرح و ناظر آن به فرجام رسید.

موانع و محدودیت‌ها

در این تحقیق از همان آغاز موانع، دشواری‌ها و محدودیت‌هایی پیش‌بینی می‌شد و یا در جریان عمل با آن‌ها مواجه می‌شدیم که در این مقدمه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. فقدان پیشینه مناسب و کمبود منابع و مآخذی که به صورت فنی و دقیق به موضوع

پرداخته باشند؛

۲. پراکندگی سیره‌ها در منابع گسترده روایی و تاریخی؛
۳. مشکلات کاربست قواعد رجالی در منابع تاریخی و فقدان سند قابل ارزیابی در بسیاری از گزارش‌های تاریخی و روایات مربوط به این گونه مطالب؛
۴. در تحلیل و تفسیر سیره‌ها، اطلاع از شرایط و اوضاع و احوال مربوط به رفتار و سیره معصوم (ع) نقش شایانی دارد، و وقوف بر این گونه قرائن و شرایط غالباً دشوار و با کمبود منابع مواجه است؛
۵. جداسازی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی، سیاسی و جز آن‌ها و ارائه ملاک روشن و تطبیق آن بر مصداق‌ها از اموری بود که همواره مجادلات و چالش‌های جدی را بر می‌انگیخت؛
۶. پایبندی تحقیق بر دلالت معتبر و روش مقبول تفسیر متن، در مقام عمل، معضلات فراوانی می‌آفرید؛
۷. دستیابی به تعاریف روشن و مقبول در واژه‌های مربوط به تعلیم و تربیت و سیره در بسیاری از موارد اشکالاتی را تولید می‌نمود؛
۸. از همه این امور بنیادی‌تر آن‌که اساساً استنباط از رفتار معصومان (ع) و استفاده و استخراج گزاره‌های عام، فراگیر و معتبر فقهی، اخلاقی و تربیتی از سیره عملی باسؤال‌ها و پرسش‌های مهمی مواجه است. عبور سیره‌ها از قرائن و شرایط زمان و مکان و حمل بر عناوین اولیه و رسیدن به توصیف‌ها، توصیه‌ها و تکلیف‌های عام، طبعاً به سادگی امکان‌پذیر نیست. برخی از این امور را در جلد اول توضیح داده‌ایم؛
۹. علاوه بر همه این‌ها کمبود مشاوران و محققانی که همزمان آشنای به رشته‌های تاریخ، فقه و تربیت باشند از موانع این دست از پژوهش‌هاست؛
۱۰. گستردگی و دامنه داری این‌گونه طرح‌ها نیز محدودیت‌هایی را در فرایند پژوهش تولید می‌کند و البته در گام نخست گریزی از ارائه چارچوب کلی بحث نیست تا زمینه بررسی‌های جزئی‌تر و دقیق‌تر در مراحل آینده تحقق یابد؛
۱۱. جست‌وجو و یافتن چارچوب و ساختار واحد و نظام‌امواری که سازگار و پاسخگوی سیره‌های پرشمار و گوناگون باشد، از مشکلات اساسی این طرح بود.

ویژگی‌های طرح

به رغم همه موانع و محدودیت‌های مذکور، این پژوهش و نتایج مدون آن - که در چند

دفتر تقدیم خواهد شد - دارای امتیازات و ویژگی‌هایی است که به برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. فیش برداری نسبتاً کاملی از عناوین و موضوعات تربیتی در سیره معصومان(ع)؛
۲. بررسی منابع شیعه و سنی و نیز منابع تاریخی، روایی، تفسیری، اخلاقی، و رجالی؛
۳. تفکیک فنی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی و سیاسی و مانند آن‌ها؛
۴. فراهم آمدن مجموعه فیش‌ها به روش رایانه‌ای و نظام دهی و نمایه زنی آن؛
۵. توجه به اعمال قواعد استنباطی در فهم و تفسیر سیره‌ها در حد میسور؛
۶. اجرای تحقیق در این بحث میان رشته‌ای به شکل گروهی و با اعتماد بر روش‌های معتبر و شیوه‌های متقن علمی؛

۷. سامان دهی سیره‌های تربیتی بر اساس ساحت‌ها و قلمروهای تربیتی در زمینه تربیت دینی و تربیت اخلاقی و آموزش صورت گرفت. البته بخش کودک به علت وجود سیره‌های فراوان به صورت مستقل درآمد و در نتیجه جلد اول به «تربیت فرزندان» اختصاص یافت و جلد‌های بعدی بر اساس ساحت‌های دینی، اخلاقی و آموزشی تدوین شد که کتاب حاضر بحث آموزش(اصول، روشها، شیوه‌ها و آداب آموزشی) را در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بررسی می‌کند؛

۸. در نهایت این تحقیق زمینه تدوین «معجم موضوعی سیره تربیتی» و نیز تحقیق‌های اساسی‌تر در این قلمرو و پی افکندن نگاه تحلیلی - تربیتی به تاریخ ائمه(ع) و نظام‌پردازی را در این زمینه فراهم آورده است.

در پایان، از مؤلف محترم این جلد آقای سیدعلی حسینی‌زاده تقدیر و تشکر می‌کنیم. همچنین از آنجا که دو فصل روش‌ها و آداب آموزشی این کتاب برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤلف و با راهنمایی آقای دکتر خسرو باقری بوده است از ایشان نیز سپاس‌گزاریم.

از حجج اسلام آقایان داودی و کاشانی که از آغاز تا پایان طرح همکاران بوده‌اند و نیز حجج اسلام آقایان عطایی و شاکری که در مرحله فیش‌برداری با طرح سیره همکاری داشته‌اند و آقایان دکتر محسن‌پور و دکتر صادق‌زاده و آقای طرقی که از نظرات آنان در این جلد بهره‌مند گشته‌ایم نیز سپاس‌گزاریم و قدردانی می‌کنیم.

مجری طرح سیره
علی‌رضا اعرافی

پیش‌گفتار

”تربیت“ بدون آموزش و آگاهی بخشی ممکن نیست و اگر ممکن نیز باشد، نمی‌توان آن را ”تربیت“ نامید. مهم‌ترین وظیفهٔ مربی، آموزش و آگاهی بخشی به موقع، است و بقیه کار که استفاده از این آگاهی‌ها می‌باشد، بر عهدهٔ دانش پژوه است. آنچه در این باره مهم به نظر می‌رسد، در اختیار گذاردن آگاهی‌های لازم، به روش مطلوب و به موقع، از سوی مربی است.

محتوای آموزش در بخش‌های گوناگون تربیت، اعم از تربیت دینی، اجتماعی، سیاسی و...، متفاوت است و البته خود، بخش مهمی از آموزش را تشکیل می‌دهد. از آن مهم‌تر، چگونگی ارائهٔ این محتوا توسط آموزگار، و اصول و روش‌هایی است که او با استفاده از آن‌ها، محتوای آموزشی را به دانش‌آموز و دانشجو آموزش می‌دهد و نیز چگونگی برخورد معلم با دانش‌آموز در هنگام آموزش است. محتوا هر چه خوب و مهم باشد، اگر از راه اصول و روش‌های صحیح آموزش داده نشود، ممکن است تلاش‌های معلم و وقت ارزشمند دانش‌آموز را برباد دهد.

از سوی دیگر، از مسائل مهم تربیت اسلامی، کشف اصول و فنون و روش‌های آموزش در سیرهٔ معصومان(ع) است. آیا آنان اصول، روش‌ها، فنون، شیوه‌ها و آداب ویژه‌ای را در آموزش احکام و معارف دینی به کار برده‌اند یا خیر؟ اگر به کار برده‌اند کدام‌اند؟ زیرا معصومان(ع)، اسوه‌های کاملی برای بشریت هستند که انسان‌ها می‌توانند با اقتدا به ایشان و پیروی از راه و روش آنان، دنیا و آخرت خویش را تأمین کنند. معصومین(ع) با شناختی که از خدا، انسان و هستی دارند، حقیقت را دریافته‌اند و بر اساس آن عمل می‌کنند. گرچه آنان بیشترین هم‌خویش را صرف تعالی روحی و آبادسازی آخرت می‌کنند، ولی از دیدگاه آنان، زندگی این جهانی نیز بخشی از حقیقت است که باید در راستای آخرت، از آن بهره جست؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «لیس منّا من ترك دنیا لآخرته و لا آخرته لدنياه^۱؛ کسی که دنیايش را به خاطر آخرتش و آخرتش

را به خاطر دنیایش ترک کند، از ما نیست.» از این رو، کارهای دنیوی آنان نیز بر اساس شناخت آنان از خدا، انسان و هستی است و از اتقان و استواری بیشتری برخوردار است. علوم آنان بیشتر الهی و یا برگرفته از پیامبرخدا(ص) است؛ بنابراین، شیوه‌های آموزشی آنان و اصول و فنون و آدابی که در آنها آموزش به کار می‌برند، به گونه‌ای است که از نظر علمی و روانی بیشترین و بهترین تأثیر را در مخاطب می‌گذارد؛ چون برخاسته از شناخت حقیقی از انسان و روابط انسانی است. از این رو، و با توجه به این که در این زمینه، به خصوص درباره اصول و شیوه‌های آموزشی در اسلام و به ویژه سیره عملی معصومان(ع)، تحقیق کمتری انجام شده و یا شاید هنوز تحقیقی انجام نشده باشد، در صدد پژوهشی در این زمینه برآمدیم و با کند و کاوی در منابع تاریخی، روایی و سیره معصومان(ع) به روش تاریخی، تحلیلی و استنباطی، به اصول، روش‌ها، شیوه‌ها و آداب آموزش در سیره معصومان(ع)، دست یافتیم که نتیجه کار کتابی است که پیش رو دارید. کتاب حاضر، جلد چهارم از مجموعه کتاب‌های سیره تربیتی پیامبر گرامی اسلام(ص) و اهل بیت(ع) است. در جلد اول مقدمه‌ای طولانی در معنا و مفهوم سیره، مراد ما در این کتاب از آن، راه‌های دست‌یابی به سیره و کارکردهای آن، آورده‌ایم؛ لذا در این جا از بیان مجدد آن‌ها خودداری کرده، خواننده گرامی را به آن ارجاع می‌دهیم، ولی از آن‌جا که ممکن است خواننده جلد اول را در دست نداشته باشد، چند نکته را یادآور می‌شویم:^۱

الف - در استفاده از سیره، چند راه را می‌توان پیمود:

۱. نقل و توصیف سیره و استفاده روش‌ها، آداب و وظایف تربیتی از آن؛
۲. تحلیل و استنباط از سیره و کشف اصول و قوانینی از آن؛
۳. تحلیل و استنباط مجموع سیره‌ها با دید کلان و جامع و نظام‌سازی و نظریه‌پردازی. در این کتاب، بر مبنای روش اول و دوم عمل شده؛ گاه به توصیف و گاه به تحلیل و تبیین پرداخته‌ایم. البته در مواردی که به توصیف نیز پرداخته‌ایم، توصیف صرف نیست؛ چرا که با تحلیل رفتار معصومان(ع) به این روش‌ها یا اصول و فنون دست یافته‌ایم و چنین نبوده که معصومان(ع)، تحت عنوان همین روش‌ها، یا اصول و فنون، به این رفتارها دست زده باشند، به ویژه در بخش اصول که کشف کردنی و استنباطی‌اند و در سیره مشهود نیستند، تا بتوان به توصیف آن‌ها پرداخت.^۲ از این رو، این کتاب می‌تواند مقدمه‌ای برای پرداختن به راه سوم باشد؛ چون این سه روش در طول هم قرار دارند.

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، جلد اول: تربیت فرزند، ص ۹-۳۱.

۲. همان، ص ۲۷.

ب - مراد از "سیره"، تنها سیره عملی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است؛ بنابراین، شامل روایات نمی‌شود؛ یعنی به آنچه آن بزرگواران، هنگام آموزش مردم، در عمل، به کار می‌بردند و در رفتار آموزشی آنان ظاهر شده است، می‌پردازیم؛ از این رو برای اثبات اصل بحث‌ها به روایات تمسک نکرده‌ایم، مگر پس از اثبات اصل موضوع از راه سیره عملی، و در توضیح و تبیین بیشتر و یا گسترش بحث و پرداختن به جزئیات بیشتری پیرامون آن موضوع؛ در نتیجه اگر در مواردی کمبود و یا نقصی در نظم و نظام بحث احساس شد، مثل این‌که فلان روایت نیز فلان اصل یا روش را بیان می‌کند که ما در این کتاب به آن اشاره‌ای نکرده‌ایم، ناشی از این است که نخواستیم از اصل بحث که سیره عملی معصومان (ع) می‌باشد، دور شویم.

ج - گرچه با توجه به این‌که بیشتر محتوای آموزشی معصومان (ع) دینی است، عنوان کتاب نیز "نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش‌های دینی" انتخاب شده است، ولی از آن‌جا که اصول و فنون آموزشی در محتواهای گوناگون تقریباً یکسان است و روش‌ها و آداب آموزشی نیز در محتواهای مشابه، تفاوت چندانی ندارد، مطالبی که در این کتاب ارائه شده است به آموزش دینی اختصاص ندارد، گرچه به کارگیری همه آن‌ها، به همین صورت و بی‌کم و کاست، در محتواهای غیر دینی نیز توصیه نمی‌شود.

د - در این کتاب، تنها به چهار مسأله از مسائل مهم آموزشی پرداخته‌ایم و نپرداختن به اهداف، محتوا، زمان و مکان آموزش و سایر مباحث آموزشی، دلیل بر بی‌اهمیتی آن‌ها، یا بی‌توجهی به آن‌ها نیست، بلکه چون این مباحث، هم در امر آموزش، از اهمیت و کارکرد بیشتری برخوردار و هم در سیره عملی معصومان (ع) - که موضوع بحث ما است - بیشتر مطرح شده است، به آن‌ها پرداخته‌ایم.

ه - از آن‌جا که تأکید کتاب بیشتر بر آموزش دینی است، در این بخش از مقدمه به اهمیت و جایگاه آموزش، به ویژه آموزش دینی در سیره معصومان (ع)، می‌پردازیم.

اهمیت و جایگاه آموزش، به ویژه آموزش دینی

اهمیت علم، تعلیم و تعلم در اسلام انکارناپذیر است. درباره اهمیت علم در اسلام، همین بس که قرآن آن را مفروض وجدان‌ها دانسته، و می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۱ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟! همچنین

قرآن کریم، عالمان را بر غیر عالمان، بسیار برتری داده، و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۱ خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات بزرگی می‌بخشد.»

پیامبر اکرم(ص) نیز علم را سرچشمه همه کارهای نیک، و جهل را سرچشمه همه کارهای بد نامید، و علی(ع) نیز آن دو را اصل همه کارهای نیک و بد دانسته است.^۲ در اهمیت و برتری علم در اسلام سخن فراوان است، ولی از آن جا که بحث اصلی ما درباره آموزش است، از به درازا کشیده شدن سخن درباره اهمیت علم خودداری کرده، به بررسی اهمیت آموزش می‌پردازیم، گر چه اهمیت هر کدام اهمیت دیگری نیز هست؛ زیرا علم، تعلیم و تعلم از یکدیگر جدا شدنی نیست.

آموزش، هدف بعثت پیامبران

قرآن کریم، آموزش را یکی از اهداف بعثت پیامبران دانسته، می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۳ خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنان، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان بخواند، و پاکشان کند و کتاب و حکمت بیاموزد، و البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

در آیه‌ای دیگر، افزون بر آموزش کتاب و حکمت، آموزش «آنچه را که نمی‌دانستند» نیز آمده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۴ همان‌گونه که رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را پاک کند، و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»

روزی پیامبر گرامی اسلام(ص) وارد مسجد و با دو گروه روبه رو شد؛ گروه اول به تعلیم و تعلم و بحث و مذاکره علمی و گروه دوم به نماز، دعا و عبادت خدا مشغول بودند. حضرت فرمود: هر دو گروه برخیز و صوابند، ولی من برای تعلیم و آموزش فرستاده شده‌ام (بالتعلیم أُرسلتُ)، و سپس در جمع کسانی که به بحث و مذاکره علمی مشغول بودند، نشست.^۵

۱. میزان الحکمه؛ ج ۶، ص ۴۵۱.

۲. بقره، ۱۵۱.

۳. مجادله، ۱۱.

۴. آل عمران، ۱۶۴.

۵. بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۲۰۶.

ارزش آموزش دینی، فراتر از مادیات است

در اسلام، آموزش هر علمی که مفید باشد، ارزشمند است، ولی ارزش همه علوم یکسان نیست. ارزش علم دین با سایر علوم، قابل مقایسه نیست. آموزش احکام و معارف دینی، مقدمه و شرط لازم رهایی انسان از آتش جاودانی و رسیدن به سعادت ابدی است؛ از این رو در سیره معصومان (ع) نیز به آن ارزش فراوان داده شده است.

عبدالرحمن سلّمی، سوره حمد را به یکی از فرزندان امام حسین (ع) آموخت. وقتی سوره را بر پدر قرائت کرد، امام (ع) هزار دینار و هزار حله به معلم داد و دهان او را پر از دُر کرد. برخی بر امام خرده گرفتند که چرا این مقدار هدیه می‌دهید؟ امام فرمود: «این یقع هذا من عطاءه (یعنی تعلیمه)؛^۱ چگونه این هدیه می‌تواند با آنچه او به فرزند من عطا کرده، (یعنی آموزش او) برابری کند.»

امام عسکری (ع) نیز می‌فرماید:

زنی نزد فاطمه زهرا (س) آمد و عرض کرد: مادری پیر، ضعیف و ناتوان دارم، مسأله‌ای در امر نماز برای او پیش آمده است، مرا نزد شما فرستاده تا پاسخ آن را بگیرم. حضرت به سؤال او پاسخ داد. سؤال دوم را مطرح کرد، حضرت پاسخ داد. تا ده سؤال را مطرح کرد و پاسخ گرفت؛ سپس عرض کرد: بیش از این شما را به زحمت نیندازم! حضرت فرمود: هرگاه خواستی نزد من بیا و از من بپرس که جواب خواهم داد. به من بگو آیا اگر کسی خود را یک روز اجیر کرده باشد تا بار سنگینی را در برابر صد هزار دینار روی بام ببرد، آیا برای او مشقت دارد؟ زن عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: من در برابر هر پرسش پاداشی بیش از مرواریدهای انباشته میان زمین تا عرش می‌گیرم، پس سزاوار آن است که [پرسش تو] بر من دشوار نیاید.^۲

این که آن حضرت پاداش پاسخ به یک مسأله را این مقدار جواهر یا بیش از آن بیان می‌کند برای بیان ارزش واقعی آن نیست، بلکه به این جهت است که بیان امور معنوی برای بشر مادی جز با توسل به امور مادی ممکن نیست.

۱. همان؛ ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۲. قال ابو محمد العسکری (ع): حضرت امرأة عند الصديقة فاطمة الزهراء (س) فقالت: ان لی والدۀ ضعیفۀ و قد لبس علیها فی امر صلاتها شیء و قد بعثتني الیک اسألك، فاجابتها فاطمة (س) عن ذلك، فثنت فاجابت، ثم ثلث الی ان عثرت، فاجابت. ثم خجلت من الکثرة فقالت: لا اشقّ علیک یا ابنة رسول الله (ص)، قالت فاطمة: هاتی و سلی عمّا بدالك، رأیت من اکثری يوماً یصعد الی سطح بحمل ثقیل و کراه مائة ألف دینار ینقل علیہ؟ فقالت: لا. فقالت: اکثریت انا لكل مسألة باکثر من ملء ما بین الثری الی العرش لؤلؤاً، فاحری ان لا ینقل علی... (بحارالانوار، ج ۲، ص ۳).

آموزش دینی برتر از خون بهای انسان‌ها

در سیره معصومان(ع)، آموزش دینی به قدری پر ارزش است که حتی می‌تواند با ارزش خون همه اهل زمین - جز پیامبران و ائمه(ع) - برابری کند. یکی از شیعیان امام زین العابدین(ع) مردی را، به گمان این‌که قاتل پدرش است، نزد امام آورد. او نیز به قتل اعتراف کرد؛ در نتیجه باید قصاص می‌شد. امام به آن مرد فرمود:
اگر این مرد حقی بر تو دارد، او را ببخش و از او در گذر.
آن مرد عرض کرد: او بر من حقی دارد، ولی حق او به اندازه‌ای نیست که من از او در گذرم.

- پس چه می‌خواهی انجام دهی؟

- می‌خواهم قصاص کنم، ولی به خاطر حقی که بر من دارد، در برابر قصاص او دیه می‌گیرم.

- حق او بر تو چیست؟

- او توحید، رسالت پیامبر و امامت را به من آموخته است.

- آیا این با خون پدرت برابری نمی‌کند؟! به خدا قسم! این در برابر خون همه اهل زمین - از اول تا آخر - به جز پیامبران و امامان، برابری می‌کند؛ سپس به قاتل فرمود: آیا ثواب این آموزش را به من می‌دهی تا من دیه قتل را پردازم و تو آزاد شوی؟
- ای فرزند رسول الله! من به این ثواب نیازمندم؛ چون گناهانم بسیار است، ولی شما از آن بی‌نیازید! اضافه بر آن، بر فرض پرداخت دیه، گناه من نسبت به مقتول هنوز باقی است و باید در قیامت پاسخگو باشم.

- پس تسلیم مرگ شدن برای تو از دادن ثواب، بهتر است؟

- آری!

در این هنگام، امام رو به ولی مقتول کرد و فرمود: ای بنده خدا! کار ناشایستی را که او نسبت به تو روا داشته، با نیکی‌ای که در حق تو کرده است، مقایسه کن؛ او با کشتن پدرت، او را از لذت دنیا و تو را از نعمت پدر، در این دنیا، محروم ساخته است. که اگر صبر کنی و به سلامت از دنیا بروی، در بهشت با پدرت خواهی بود، ولی از سوی دیگر، او ایمان را به تو تلقین کرده است و با این کار تو را از عذاب جاویدان نجات داده و سزاوار بهشت جاویدان ساخته است؛ پس نیکی او در حق تو چندین برابر کار ناشایستی است که در حق تو روا داشته است؛ بنابراین، یا از او، در برابر نیکی‌ای که به تو کرده، در گذر تا من نیز در برابر آن، حدیثی را از فضل رسول خدا(ص) برای هر دو نفر شما بیان کنم، که برای تو از

دنیا بهتر است، و یا از او در نمی‌گذری، تا من دیه را به تو بدهم و حدیث را تنها برای او بیان کنم، که در این صورت، این حدیث که برای تو از دنیا بهتر است، از دستت می‌رود! جوان گفت: ای پسر رسول خدا! او را بدون دیه و تنها برای رضای خدا و برای این که شما از من خواستید، بخشیدم؟ پس، آن حدیث را برای ما بیان فرمایید، و امام حدیث را برای آنها بیان فرمود.^۱

امام (ع) در این روایت، در پاسخ به ولی مقتول، ارزش آموزش ایمان را که او به اندازه خون بهای یک شخص نمی‌دانست، با خون همه انسان‌ها - به جز پیامبران و امامان (ع) - برابر می‌داند. در پایان نیز ارزش یک روایت از فضل پیامبر (ص) را از ارزش دنیا برتر دانسته است.

این سخن امام مبالغه‌آمیز نیست؛ زیرا که قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۲ هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین، بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است.»

روشن است که مراد از «احیا» در این آیه تنها زندگی مادی نیست، بلکه زندگی معنوی و ایمان است. مقصود در حدیث یاد شده نیز همین مضمون است؛ چنان‌که آن شخص، «ایمان» را به صاحب خون آموخته بود.

فواید دنیوی آموزش

آموزش احکام و معارف دینی، افزون بر اجر اخروی، دارای فواید دنیوی نیز هست برای آموزش دهنده که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تقویت و افزایش علم: آموزش دادن، موجب تصحیح و تقویت دانش در ذهن آموزش دهنده می‌شود. حضرت علی (ع) در وصیت خود به کمیل، می‌فرماید: «المال تفنیه النفقة و العلم يزكو على الانفاق»^۳ مال با هزینه و خرج کردن از بین می‌رود و تمام می‌شود، در حالی که علم، با انفاق و آموختن به دیگری، پاک و تصفیه می‌شود و ناخالصی‌ها و اشتباهات آن برطرف می‌گردد.»

این اصلاح از دو جهت می‌تواند انجام پذیرد: اول آن‌که عالم با آموزش علم خود به

۲. مائده، ۳۲.

۱. همان، ص ۱۲.

۳. تحف العقول، ص ۱۶۳.

دیگران، مروری دوباره بر آموزه‌های خود دارد و عیب‌های آن را در می‌یابد و چه بسا زوایای دیگری از آن برایش کشف و روشن شود؛ دوم آن‌که وقتی علم به دیگران منتقل شد، آنان نیز در آن دقت کرده یا با سؤال‌هایی که در برابر آن مطرح می‌کنند و کوششی که برای فهم و تدبیر در آن به کار می‌گیرند، تصحیح و پیشرفت آن را سرعت می‌بخشند؛ افزون بر آن، زمینه تأمل بیشتر معلّم را فراهم کرده، سبب رشد و ارتقای او و دانش می‌شوند.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «زكاةُ العِلْمِ تعلیمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ؛^۱ زکات علم، آموزش آن به کسی است که آن را نمی‌داند.»

«زکات» معانی گوناگونی دارد و دو معنای آن که به این روایت مربوط می‌شود، «تطهیر» و «رشد و نمو»؛ زیرا یا مصدر زکی، است که به معنای رشد و نمو است و یا مصدر زکا که به معنای تطهیر.^۲ تطهیر علم، با زدودن ناخالصی‌ها و اشتباهاتی که علم پنداشته شده، انجام می‌پذیرد و رشد و نمو آن، به پیشرفت علم و کشف روز به روز مجهولات است. «زکات» در اصطلاح، به انفاق و صدقه مال گفته می‌شود، ولی انفاق را از آن جهت زکات می‌گویند که موجب پاک شدن و افزایش مال می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت: آموزش علم به دیگران، هم موجب اصلاح و منقّح شدن آن می‌شود، و هم زمینه رشد و توسعه را فراهم می‌سازد.

۲. تزکیه و تقویت عقل: آموزش، افزون بر تقویت و پاک سازی علم، موجب تزکیه و تقویت عقل نیز می‌شود. حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«أعون الاشياء علی تزکیة العقل التعلیم؛^۳ یاری کننده‌ترین چیز بر تزکیه عقل، آموزش دادن است.» تزکیه نیز - چنان که گفتیم - به معنای پاکیزگی یا افزایش است. پس آموزش موثرترین عامل در تصفیه و پاکیزگی یا افزایش عقل است.

۳. برترین صدقه: آموزش، در روایات، نوعی صدقه، بلکه برترین صدقه‌ها است. صدقات افزون بر آثار اخروی، آثار مادی و معنوی دنیوی نیز دارند؛ مانند محافظت کردن آدمی از آفت‌ها و بلاها. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: «من الصدقة أن يتعلّم الرجل العلم و يُعلّمه الناس؛^۴ از انواع صدقه این است که مسلمان، دانش بیاموزد و آن را به مردم بیاموزند.»

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۵.

۲. مجمع البحرین، ذیل: زکو.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴.

۴. غررالحکم، حدیث ۳۲۴۶.

همچنین فرمود: «أفضل الصدقة أن يتعلم المرء المسلم علماً ثم يعلمه أخاه المسلم؛^۱ برترین صدقه‌ها این است که انسان علمی را بیاموزد و آن را به برادر دینی خود بیاموزاند.» افزون بر این، می‌توان گفت: چون هدف از خلقت انسان، تربیت او در راستای معرفت و عبودیت است و تربیت، عبادت و معرفت بدون آموزش، نه معنی دارد و نه ممکن است، پس تأمین هدف خلقت، بر آموزش استوار است و آموزش، در متن و معنای تربیت، عبادت و معرفت نهفته است و اهمیت آن کمتر از اهمیت تربیت، عبادت و معرفت نیست، و حتی بر آن‌ها تقدم رتبی نیز دارد.

پرسشی را که در این جا لازم است یادآور شویم، این است که آیا اهمیتی که برای آموزش ذکر شد، ویژه آموزش دینی است، یا هر نوع آموزشی را، هر چند غیر دینی، شامل می‌شود؟

در پاسخ باید گفت: آنچه مسلم است، این است که آموزش دینی دارای این اهمیت می‌باشد، ولی این، نه گویای بی ارزشی آموزش غیر دینی است، و نه بیانگر این که هر نوع آموزش دینی، دارای بالاترین مراتب ارزش است؛ چنان‌که در سیره امام سجاد(ع) گذشت. علت اینکه امام(ع) کار خیر قاتل برای فرزند مقتول را از خون بهای تمامی انسان‌ها برتر دانست، این بود که قاتل اصول اعتقادی را به او آموخته بود؛ بنابراین، می‌توان گفت: ارزش آموزش به تبع نقش محتوای آموزشی در تحقق هدف از خلقت، و انگیزه آموزش دهنده، متفاوت است.

مفهوم‌شناسی

در این فصل، به تعریف و تبیین مفاهیم اساسی مطرح شده در این کتاب می‌پردازیم. این مفاهیم عنوان‌های فصل‌های این کتاب را تشکیل می‌دهد. برای تعریف و تبیین این مفاهیم، لازم است ابتدا آنچه را که آموزگار در فرایند آموزش انجام می‌دهد، تحلیل و بررسی کرد تا جایگاه هر یک از آن‌ها روشن شود و سپس به تعریف آن‌ها پرداخت؛ ولی پیش از هر چیز، لازم است مفهوم آموزش تعریف و تبیین شود، تا فهم مشترکی از این مفهوم نیز ما را یار و همراه باشد؛ بنابراین، در این فصل به تعریف و تبیین مفاهیم پنج‌گانه زیر می‌پردازیم: آموزش، اصل، روش، شیوه و آداب.

۱. مفهوم آموزش

کلمه "آموزش" معادل واژه انگلیسی "Instruction" یا "Teaching" است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش، در اصطلاح، از هم متفاوتند که به آن اشاره خواهیم کرد. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است:

- تحریک و راهنمای یادگیری؛

- هنر کمک کردن به یادگیری در دیگری؛

- فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای دانش‌آموزان و دانشجویان، در داخل و خارج مدرسه، آسان می‌سازد.^۱

در این سه تعریف، دو ویژگی "عمدی بودن" و "از پیش برنامه ریزی شدن" برای آموزش لحاظ نشده است، ولی تعریف‌های دیگری نیز برای آموزش ارائه شده که در آن‌ها این دو ویژگی لحاظ شده است.

"گانه"، آموزش را مجموعه‌ای از رویدادهای "به عمد ترتیب داده شده" می‌داند که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است.^۲

۱. ر.ک: فرهنگ علوم رفتاری، ذیل: Teaching . ۲. ر.ک: اصول طراحی آموزشی، ص ۳۲.

دکتر سیف نیز دو تعریف برای آموزش ارائه می‌کند که یکی، اعم از دیگری است:

۱. «آموزش، عبارت از فعالیت‌هایی است که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از جانب آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد؛»

۲. «آموزش، به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است.»^۲

وی می‌گوید: تعریف اول، شامل آموزش کلاسی می‌شود، و آموزش‌های تلویزیونی و از راه دور را شامل نمی‌گردد، در حالی که تعریف دوم آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که تعریف گانیه و تعریف اول سیف، تعریف‌هایی هستند که تنها شامل آموزش‌های رسمی می‌شوند؛ به دیگر سخن، این‌ها تعریف‌های تدریس هستند نه آموزش، و حال آن‌که آموزش اعم از تدریس است. تدریس به آموزشی گفته می‌شود که دارای مخاطبان، مکان و شرایط ویژه باشد و به صورت رسمی انجام پذیرد، در حالی که آموزش، به صورت غیر رسمی نیز می‌تواند انجام شود؛ بدین گونه که نه مخاطبان ویژه‌ای داشته باشد و نه مکان ویژه، و حتی آموزگار و دانش‌آموزان می‌توانند، ارتباط مستقیمی با هم نداشته باشند و آموزش، از راه دور و یا به شیوه نامه‌نگاری و نوشتن کتاب، صورت پذیرد؛ بنابراین، آموزش را می‌توان چنین تعریف کرد:

«هر گونه فعالیتی که از سوی یاد دهنده به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، صورت پذیرد.»

این تعریف، از تعریف دوم سیف نیز عام‌تر است؛ زیرا حتی قید "از پیش طراحی شده" نیز آن را محدود نمی‌کند؛ چون فعالیتی که از پیش طراحی نشده باشد، اگر در راستای ایجاد یادگیری در یادگیرنده واقع شود، آموزش تلقی می‌گردد و برای بیرون راندن آن از قلمرو آموزش دلیلی نیست.

در این جا توجه به این نکته نیز لازم است که "آموزش" غیر از "یادگیری" است. یادگیری، هدف آموزش است. آموزش کار مربی و آموزگار است و یادگیری کار دانش‌آموز. از تعامل معلم و دانش‌آموز، "یادگیری" حاصل می‌شود؛ البته نه هر آموزشی، همواره یادگیری را به دنبال دارد و نه هر یادگیری، به ضرورت نیازمند آموزش است، بلکه برخی از انواع آموزش، به یادگیری می‌انجامد که این نوع از آموزش را آموزش "مؤثر" می‌نامند. از سوی دیگر، برخی از انواع یادگیری بر آموزش استوار نیست، بلکه این خود

۱. روان‌شناسی پرورشی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۵.

یادگیرنده است که به آموختن اقدام می‌کند و یادگیری را در خود ایجاد می‌کند. این نوع یادگیری را می‌توان یادگیری "خودآموز" یا "خودآموزی" نامید. با وجود این، آموزش در اصطلاح، به آموزشی گفته می‌شود که به نوعی یادگیری - هر چند به صورت ضعیف که - دست کم این مقدار در اغلب موارد حاصل می‌شود - در یادگیرنده منتهی شود؛ چون آموزشی که به یادگیری نینجامد، ارزش سخن گفتن از آن را ندارد؛ بنابراین، نه آموزش مساوی با یادگیری است و نه یادگیری بی ارتباط با آموزش، و نسبت بین این دو، "عموم من وجه" است که گاه، ملازم یکدیگرند.

۲. مفهوم اصل

اصل، معادل کلمه انگلیسی "principle"، در لغت به معنی ریشه، اساس، و مبدأ است و در اصطلاح، در علوم مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله در برخی علوم رفتاری، به معانی زیر می‌باشد:

- اصل کلی راهنمایی سلوک، یا قاعده عمومی سلوک که پذیرفته شده است؛
 - قانون کلی روش علمی؛
 - اظهار یک همبستگی و یکنواختی در طبیعت؛
 - یک ارتباط منطقی عمومی و کلی.^۱
 - همچنین، اصل در معانی زیر نیز به کار رفته است:
 - تکیه‌گاه بنیادی درون یک ساخت؛
 - قوانین حاکم بر پویایی و تحول یک ساخت؛
 - هر خرده‌ساختی که ساخت‌های دیگر از آن ناشی شوند؛
 - ریشه و سرچشمه یک شیء یا ساخت؛
 - بایدها و نبایدها به مثابه راهنمای عمل برای رسیدن از مبانی به اهداف؛
 - راهنمای عمل در محدوده‌ای که مبانی، آن را تحمیل می‌کند.^۲
- با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی یاد شده، ویژگی‌های زیر را می‌توان برای اصل بر شمرد:

یک: نوعی اهمیت و تقدم اصل در برابر سایر امور؛ به گونه‌ای که هرچند به قیمت از دست دادن اموری دیگر، این اصل باید حفظ و رعایت شود؛

دو: نوعی کلیت و شمول در مفهوم اصل؛

۱. فرهنگ علوم رفتاری، ذیل: principle. ۲. ر.ک: اصول تربیت، ص ۴-۱۴.

سه: نوعی پایه و اساس و منشئیت اصل برای امور دیگر؛ چهار: نوعی "دستور" و "باید" در مفهوم آن؛ یعنی اصول از سنخ "هست‌ها" نیست، بلکه از سنخ "بایدها" است که باید آن‌ها را در نظر داشت و به آن‌ها تحقق بخشید، گرچه گاهی ممکن است مفاد اصلی توجه داشتن به واقعیتی خارجی (مبنایی)، در عمل باشد؛ نظیر توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش؛

پنج: نوعی جهت دهی و هدایت رفتار به وسیله آن؛ یعنی با توجه به اصول است که کلیه رفتارهای آموزگار، اعم از روش‌ها و فنون، شکل و جهت می‌گیرند. اصل مانند شاغول یا نخ بنایی است که کلیه آجرها باید بر اساس آن شاخص، روی هم گذاشته شوند. همچنین، با تحلیل فرایند آموزش، به سه مفهوم اساسی دست می‌یابیم: مبانی آموزشی، اهداف آموزشی و اصول آموزشی.

"مبانی آموزشی" همان واقعیت‌های خارجی موجود در طبیعت و انسان می‌باشد که ممکن است در علوم دیگر، به اثبات رسیده باشند؛ نظیر واقعیت‌های روانشناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و حتی فیزیکی، زیستی و... "اهداف آموزشی" نیز واقعیت‌هایی هستند که در خارج تحقق می‌پذیرند، گرچه تا زمانی که به آن‌ها دست نیافته‌ایم، هنوز جایی خارج از ذهن ندارند؛ اما "اصول آموزشی" که با توجه به مبانی، اهداف و ارتباط آن دو، انتزاع می‌شود، معادل خارجی ندارد، ولی منشأ انتزاع خارجی دارد و اعتباری صرف نیست که حقیقتی در خارج، جز اعتبار انسان‌ها، نداشته باشد. اصول، در واقع "بایدها"یی است که از مبانی، اهداف و رابطه آن دو، و با در نظر گرفتن مجموعه ساز و کارهای تعلیم و تربیت، و حتی با در نظر گرفتن اصول حاکمه‌ای که بسا در بادی نظر، تربیتی محسوب نشود، ولی با دیدی دقیق و کلی، تربیتی به شمار آید، انشا می‌شود و کیفیت رفتار آموزگار را شکل می‌دهد.

رفتار آموزشی آموزگار بر اساس مبانی موجود، اهداف مورد نظر و رابطه مطلوب بین آن دو، شکل می‌گیرد؛ اما چنین نیست که هر آموزگاری، با در نظر گرفتن این مبانی و اهداف و رابطه بین آن‌ها، بتواند رفتار صحیح آموزشی خود را شکل دهد. به دیگر سخن، از مقایسه مبانی و اهداف و در نظر گرفتن سایر ساز و کارها و عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت، لازم است "بایدها" و یا "اصولی" را انتزاع کرد و آن را به عنوان ملاک و راهنما، نصب العین خود قرار داد، تا بتوان به آسانی به اهداف مورد نظر دست یافت؛ یعنی گاهی یکی از مبانی که از واقعیتی خارجی حکایت می‌کند، به صورت انشا بیان می‌شود و به عنوان اصلی از اصول آموزشی، مطرح می‌شود، نظیر اصل تفاوت‌های فردی. این یک

واقعیت است که انسان‌ها با یکدیگر متفاوتند؛ اما این مبنا را که حکایت از یک واقعیت عینی دارد، به صورت انشا چنین بیان می‌کنیم: در آموزش باید به تفاوت‌های فردی توجه کرد؛ پس توجه به تفاوت‌های فردی را اصلی از اصول آموزشی می‌نامیم؛ ولی - چنان‌که بیان شد - این اصل، تنها عبارت دیگری از آن مبنا نیست، بلکه از آن مبنا با در نظر گرفتن عوامل متعدد دیگر، انتزاع می‌شود؛ بنابراین، مبنا گرچه منشأ انتزاع اصل است، ولی نه عین آن است و نه تعبیر دیگری از آن، و نه تنها و تمام علت آن؛ همچنین گاهی یکی از اهداف آموزشی، به دلیل اهمیت زیادی که دارد و یا به دلیل تأثیراتی که می‌تواند در دست‌یابی به سایر اهداف داشته باشد، مهم‌تر تلقی شده، به عنوان اصلی از اصول آموزشی مطرح می‌شود؛ مانند "اصل تفکر و فهم". فهم و تفکر، از اهداف آموزشی هستند، ولی در عین حال آن را اصلی آموزشی نیز می‌دانیم؛ یعنی یادگیری باید بر اساس فهم و تفکر، حاصل شود. گاهی نیز با توجه به مبنا و هدفی، دستورالعملی به عنوان اصل، انتزاع می‌شود و ملاک سایر رفتارهای آموزگار قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، هست‌ها و واقعیت‌ها به تنهایی، انسان را به حرکت و انمی‌دارند، بلکه بایدهایی لازم است تا انسان را به حرکت درآورد. مریان تربیتی با مشاهده مبانی و اهداف و رابطه آن‌ها، بایدهایی را با عنوان اصول، انتزاع می‌کنند و بر اساس آن‌ها، رفتار خود را شکل می‌دهند؛ اما این بایدها همه یکسان نیستند. برخی از آن‌ها نسبت به برخی دیگر، از شمول و کلیت بیشتری برخوردارند و به تعبیر دیگر، در همه یا بیشتر رفتارهای آموزشی، تأثیرگذارند؛ ولی برخی از شمول و عمومیت کمتری برخوردارند و در بخش‌های ویژه‌ای از رفتار آموزشی آموزگار، تأثیر می‌گذارند. برخی نیز جهت‌های کلی رفتار و روش آموزگار را مشخص می‌کنند و برخی دیگر در هر یک از این روش‌ها، جهت‌ها و ریز روش‌های دیگر را روشن می‌کنند.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای اصل بیان شد، دسته اول را اصطلاحاً "اصول آموزشی" می‌نامند و دسته دوم را می‌توان به "اصول" یا "قواعد روشی"، "شیوه‌ها"^۱ یا "فنون آموزشی" تعبیر کرد که در این کتاب نیز این دسته را با عنوان "شیوه‌های آموزشی بیان خواهیم کرد، گرچه به دیده دقیق، این سه مفهوم - چنان‌که خواهیم گفت - از هم متمایزند، ولی تفکیک مصادیق هر یک در امر آموزش، کار چندان آسانی نیست.

در نتیجه، اصول آموزشی را می‌توان چنین تعریف کرد:

۱. ر.ک: روانشناسی تربیتی، ص ۵۴۹؛ روش‌ها و فنون تدریس، ص ۳۰؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۲۷۰-۲۷۳.